

روزنامه شرق

از فتح خرمشهر تا مذاکره مخفیانه با عراق

جنگ به روایت رئیس جمهور سابق

گروه سیاست: نسل جدید، حسن روحانی را به عنوان رئیس جمهور که حالا پسوند «سابق» نیز به آن اضافه شده می‌شناسد، اما او در دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ «دبیر شورای عالی امنیت ملی» بود و در دهه ۶۰ علاوه بر نمایندگی در مجلس...

صفحه ۲



چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ | ۱۵ صفر ۱۴۴۳ | ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱



گفت و گوها و ایزنی‌ها در نیویورک پیکری می‌شود

دیدارهای برجی بدون جلسه برجی

گروه دیپلماسی: وزیر خارجه ایران در نیویورک به دیدارهای دوجانبه و راینی‌های مربوط به برجام و برنامه هسته‌ای ایران ادامه داد. این در حالی است که دیروز ایران و اروپا اعلام کردند در حاشیه نشست مجمع عمومی در نیویورک، جلسه‌ای...

صفحه ۴

سال نوزدهم | شماره ۴۱۰۳ | ۱۲ صفحه | ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

مسئله آب تغییر رویکرد از فنی به اجتماعی

حمزه نوری، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

ایران کشوری است که همیشه در طول تاریخ با تهدید فاجعه خشک‌سالی و سیل مواجه بوده است. در سال‌هایی با آب‌وهوای بد در برخی مناطق روستاییان و دامداران و سایر گروه‌های اجتماعی با شرایط دشواری در زندگی مواجه می‌شدند تا زمانی که بار دیگر بارندگی شروع شود. از چند دهه قبل راه‌حل مشکل، ساخت سد و حفر چاه‌های عمیق شناخته شد اما کار به شیوه نادرستی صورت گرفت و مسئله خشک‌سالی حل نشده باقی مانده است. برخی معتقدند چاره‌اندیشی برای مسئله خشک‌سالی راه‌حل کلان‌تری از جمله مبارزه با گرمایش زمین و کاهش گازهای گلخانه‌ای است اما خشک‌سالی در ایران مسئله‌ای قدیمی است که با تراکم جمعیت در مناطق خشک و باقی‌ماندن کشاورزی سنتی و جایابی نادرست صنعت در این مناطق وضعیت کم‌آبی شکل دیگری به خود گرفته است. برخی پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که ساخت سد‌ها ناکارآمد و شکست‌خورده است، نه به سبب نادرستی این سیاست بلکه به دلیل شیوه اجرای آن. گروه‌ها و افرادی با مقاصد سیاسی و خارج از رویکرد محلی و تکنیکی بخشی از این مشکل هستند. فشار گروه‌های سیاسی برای ساخت صنایع آب‌بسر در مناطق کویری و الگوی کشت نامناسب کشاورزی در خوزستان و مناطق هم‌جوار تقاضای آب از رودخانه‌های خوزستان را به شدت افزایش داده است. در این میان برخی در خصوص شکست سدسازی در مواجهه با خشک‌سالی از عدم اقتدار متخصصان و فن‌سالاران سخن به میان می‌آورند.

ادامه در صفحه ۲

بایدن در نخستین سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل: آماده‌ایم تا به برجام بازگردیم

ما به وعده‌های آمریکا اعتماد نداریم



صفحه ۲

بایدن در نخستین سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل: آماده‌ایم تا به برجام بازگردیم

ما به وعده‌های آمریکا اعتماد نداریم



صفحه ۸

تترها

اصولگرایان بلا تکلیف در حل تحریم

صفحه ۲

چالش پیش روی رئیسی مردی با پیراهن شماره ۸

صفحه ۱۱

خزعلی‌ها به جای لاریجانی‌ها

افول برادران طلوع خواهران

صفحه ۳

غافلگیری شورای ششم

بررسی ۴۰ روز نخست شورای شهر پنجم و ششم

صفحه ۹

«شرق» بررسی می‌کند

دوگانگی قدرت بحران جنبش‌های ایرانی

گفت و گو با مقصود فرستخواه

صفحه ۶

ما مقتدریم

نحن اقویاء

هفته دفاع از ائمه‌مقدس

کرامت باد

بنا بر اساس مصوبه هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کتاب تحمیل را دشمنان باور خوش کرده اند که به ناچار در برابر انقلاب و روحیه شهیدان شهنشاهان نبوی انقلاب و روحیه انقلاب شد.

کتاب به ره‌داخته اما همین جنگ باعث انقلاب شد.

۱۳۸۶/۰۳/۰۳

یادداشت

اصلاح ساختار، یگانه نسخه درمان کشور

مناسبتی استفاده کنند. این ناهماهنگی در ارکان و اجزای ساختار با پتانسیل‌های کشور باعث می‌شود این پیمانکار بزرگ (دولت) بسیاری از پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی خود را نیمه‌تمام رها کرده تا علاوه بر منابع مالی فراوان «زمان» و «فرصت» را نیز در پیش پای ۸۰ هزار پروژه نیمه‌تمام قربانی کند. هر مدیر اجرایی در کشور به نیکی می‌داند که سقف سازمانش بر دو ستون اصلی استوار است: ۱- ساختار ۲- نیروی انسانی. ساختار چابک قادر است مشکلات نیروی انسانی ضعیف را پوشش دهد و برعکس، یک ساختار معیوب نیز به‌خوبی قادر است نیروی انسانی قدرتمند را منفعل و ناکارآمد کند. از جمله شواهد ساختار معیوب، می‌توان به وجود دستگاه‌های موازی در اداره کشور نیز اشاره کرد که هنگام توزیع قدرت در بین آنها تضادها و به‌زورنی گذاشته و هنگامی که این سازمان‌های رقیب برای افزایش سهم خود از اعتبارات و امکانات محدود کشور تلاش می‌کنند تضادها و تعارض‌ها به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد و هماهنگی را در بین ارکان ساختار بسیار مشکل خواهد کرد، زیرا در غیاب یک نظام یکپارچه، روش مناسبی برای همسوسازی بین وزارتخانه‌ها و انکیزه‌ای برای بررسی نحوه ارتباط بین آنها به‌وجود نمی‌آید و ما همیشه از «توان کل مجموعه» که همواره بیشتر از مجموع توان تک‌تک اجزایش خواهد بود، محروم می‌مانیم. به یاد داشته باشیم که موازی‌کاری‌های دستگاه‌ها در نظام اداری در غیاب یک تفکر سیستمی حاصل می‌شود، زیرا ما به‌درستی یاد نگرفته‌ایم که برای شناخت مسائل پیچیده، به‌جای شکستن آنها به اجزای کوچک‌تر و از دست‌دادن توالی اعمال و ارتباط بین آنها به یک «تصویر کل» از آن پدیده» توجه کنیم زیرا از کنار هم قراردادن تکه‌های یک آینه شکسته، هیچ‌وقت تصویر کاملی به دست نمی‌آید، به این دلیل که «کلیت» همواره به‌صورت بخشی از کل در نظر گرفته می‌شود. به این دلیل که «کلیت» همواره به‌صورت بخشی از کل در نظر گرفته می‌شود. به این دلیل که «کلیت» همواره به‌صورت بخشی از کل در نظر گرفته می‌شود. به این دلیل که «کلیت» همواره به‌صورت بخشی از کل در نظر گرفته می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

خطر «شاماتی شدن» سیاست

محمدرضا مردی‌طای

یکی از پرسش‌هایی که عموماً برای افراد، در سطوح مختلف طرح می‌شود، پرسش (و البته اضطراب) از آینده است. پرسش از آینده سیاست هم در کشورهایی مانند ایران که انرژی‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای دارند، یکی از آن پرسش‌هاست که غالباً در خودآگاه و ناخودآگاه کنشگران سیاسی فردی یا جمعی (مانند احزاب، انجمن‌ها و سندیکاها) طرح می‌شود. پرسش از آینده از یک سو ناظر بر پیش‌بینی است و از سوی دیگر در گفت‌وگو با یک دل‌نگرانی طرح شده است. اگر جهت آینده را بدانیم می‌توانیم برای آن برنامه داشته باشیم یا حداقل اینکه دل‌نگرانی و دغدغه‌اش را داشته یا نداشته باشیم. تعیین خطوط آینده به‌واسطه تحلیل روندهای حال امکان‌پذیر است؛ یعنی مؤلفه‌های کلان، ساختارها، رویه‌ها، استراتژی‌ها، برآیند نیروها و معادلات و تعاملات را باید در یک الگوی نظری یا تحلیلی قرار داد و از داخل آنها سناریوهای مختلف را به‌منابه احتمالاتی ممکن‌الوقوع مدنظر داشت و برای هر سناریویی، برنامه‌ای ریخت. این‌گونه می‌توان بر مبنای یک علائقت محاسباتی دست به کنشگری در سطوح مختلف زد. بدیهی است که دستیابی به چنین دیدگاهی کاری بس عظیم و سترک است که معمولاً اندیشکده‌ها برای آن اقدام می‌کنند و به‌صورت تخصصی می‌کوشند چنین الگوهای را استخراج کنند و به‌صورت دوره‌ای نتایج تحقیقاتشان را در اختیار مراجع ذی‌ربط یا علاقه‌مندان قرار بدهند. بنابراین یک یادداشت کوتاه محل و مجال مناسب برای چنین وظیفه خطیری نیست. باین‌حال می‌توان دست‌به‌کار طرح دغدغه شد و آن را مانند یک مسئله طرح کرد. به نظر من، یکی از مخاطرات آینده سیاسی ما، خطر «شاماتی شدن» سیاست در ایران است. منظور از شاماتی شدن یعنی تکرار تجربه منطقه شامات که از سوری تا لبنان را شامل می‌شود. مدرنیته سیاسی، در تجربه شامات، تلاشی بود برآمده از تنش میان الگوی قدامی نظم سیاسی، با مدل‌های نوین رفتار سیاسی که خواهان شکل‌دادن به «ملت‌ی» بودند که شامل بر افرادی در مقام «شهروند» بود. اگر در این مناطق کسمانی مانند میشل عفلق، جورج حبش، خاندان جُمیل و مانند اینها این‌چنین فعال شدند و جنبش‌های متفاوت و مختلفی را شکل دادند و بعضاً تنش‌های رادیکالی را نیز ایجاد کردند، از این جهت بود که یروپولیتیک اصلی تجربه سیاسی مدرن در این مناطق بر محوریت یک نزاع بنیادین تکوین پیدا کرده بود...

ادامه در صفحه ۲